

گفتگو*

گفتگویی با استاد رندال کالینز

اشاره

استاد رندال کالینز، جامعه‌شناس بزرگ آمریکایی است که به عنوان نظریه پرداز جدید و نوآور و خلاق پیرامون پارادایم ترکیبی تعریف اجتماعی و نظریه تقابل از شهرت پایداری برخوردار است.

از طرف دیگر، مفسران و منتقدان آثارش بر این نکته تأکید دارند که او آغازگر فعالیتهای نظریه پردازی؛ در چارچوب نظریه تقابل است. وی جامعه‌شناسی پویا است. از این رو، نظریه مارکس، نظریه تقابل، نظریه کارکردگرایی ساختاری و نظریه کنش‌گرایی را مورد نقد عالمانه خود قرار داده است. با تأکید بر اهمیت اصول و مفاهیم نظریه پدیدارشناسی و کنش متقابل نمادین، نظریه خاص خود را مطرح کرده است. او با انتخاب قشربندی اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین موضوع در جامعه‌شناسی، به چهره‌ای مدرن و نوآور در میان نظریه پردازان جدید مبدل شده است. علاوه بر شرح و توضیح کارکردهای عناصر و مؤلفه‌های طرح شده به وسیله مارکس، وبر، دورکیم، او جنسیت، گروه‌های سنی و روابطشان را به منظور توصیف قشربندی اجتماعی مورد توجه خاص خود قرار داده است. برای اینکه با این چهره برجسته و شاخص در جامعه‌شناسی نو، بیشتر و دقیقتر آشنا شویم، همراه با مطالعه جامعی از اثر برجسته‌اش تحت عنوان "نظریه تقابل"، که به شناخت ما کمک می‌کند، گفتگویی با ایشان شده است. از آنجایی که مصاحبه کننده با علاقه استاد در زمینه شرکت در مباحث علمی آشناست، در اینجا ضرورت دارد که از این استاد دانشمند، برای خاطر حضور در این گفتگوی گرم و عالمانه، تشکر کنیم.

— لطفاً، کمی پیرامون پیشینه خانوادگی و زندگی اجتماعی خود، برای خواننده مجله ما توضیح دهید.

پدرم در وزارت امور خارجه آمریکا دیپلمات بود. در دوران کودکی و نوجوانی، من و خانواده‌ام به لحاظ شغل پدرم که در پستهای دیپلماتیک بود، در روسیه، آلمان، اسپانیا و آمریکای جنوبی زندگی می‌کردیم. هنگامی که بچه کوچکی بودم، درست پس از پایان جنگ جهانی دوم، در برلین زندگی می‌کردیم. در آن زمان بود که علاقه من به بحثهایی درباره کشمکش^۱ و نیز تاریخ تطبیقی شکل گرفت.

— به کدام یک از نظریه پردازان اجتماعی علاقه مندید؟
وبر، دورکهایم و مید.

— چه تمایزی بین جامعه‌شناسی اروپایی و جامعه‌شناسی آمریکایی قایل می‌شوید؟
جامعه‌شناسی آمریکایی در جامعه‌شناسی خرد و نیز در هر نوع پژوهش تجربی قوی است. جامعه‌شناسی اروپایی آغازگر نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی بوده است. زمانی که وبر زنده بود، جامعه‌شناسی اروپایی در مطالعات مقایسه‌ای - تطبیقی تاریخی قوی بود؛ ولی به دلیل شیوه و مسیری که در آن جامعه‌شناسی امروز در مؤسسه‌های پژوهشی اروپا سازماندهی می‌شود، برای جامعه‌شناسان مشکل است تا در زمینه جامعه‌شناسی تاریخی تخصص پیدا کنند. از این رو امروزه، جامعه‌شناسی تاریخی از نوع وبری آن بیشتر برای جامعه‌شناسان بریتانیایی و آمریکایی یک تخصص است.

— نظر شما راجع به وضعیت جامعه‌شناسی نظری در اروپا و آمریکا چیست؟ آیا شما به طور کیفی و کمی فراز یا فرودی را در جهان جامعه‌شناسی نظری در مقایسه با دهه‌های گذشته ملاحظه می‌فرمائید؟

من فکر می‌کنم که نظریه در طول دهه نود اکثراً در ارتباط با پژوهش تجربی کار کرده است. در فرانسه در حال حاضر مهمترین نظریه پرداز پیر بوردیو است که همواره نظریه‌هایش را درون طرحهای پژوهشی بزرگش پیرامون قشربندی و پیرامون فرهنگ ساخته است.

در انگلستان آنتونی گیدنز و برایان ترنر عموماً بیانیه‌های نظری پیرامون پدیده‌های تجربی خاص ارایه کرده‌اند.

تعداد زیادی از نظریه‌پردازانی را که ذکر کردم، نیز نظریه‌هایشان را بدین طریق تحول داده‌اند. نظریه‌پردازان پست مدرن و ساختارشکن اکثر فعالیت‌های علمی خود را در دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد ارایه داده‌اند و کانون اصلی آنها در پاریس بوده است؛ گرچه در جریان و حیات فکری بریتانیا و آمریکا هم عده زیادی از آنها پیروی کرده‌اند، ولی بنیان اصلی و عمده این نهضت‌ها در دپارتمان‌های ادبیات بوده نه در جامعه‌شناسی. مکتب ساختارشکنی بسیار انتزاعی است زیرا توسط فلاسفه خلق شده است. اما حتی این نهضت هم به خط و جهت‌گیری تجربی تغییر یافته و با تولید، ارزش‌گذاری و مصرف فرهنگ سر و کار دارد. در این مفهوم، نظریه ادبی فرانسوی به سوی جامعه‌شناسی فرهنگ حرکت کرده است. این خود دلیلی است که چرا بوردیو برجسته‌ترین نظریه‌پرداز فرانسه در حال حاضر است.

— به کدام یک از جریان‌های عمده جامعه‌شناسی شما بیشتر معتقدید؟ و چه نوع استنباط و استنتاجی سبب شکل‌گیری این باور گشته است؟

در طی بیست سال اخیر چندین جریان وجود داشته که باعث کارهای بسیار جالبی در زمینه‌های زیر شده است:

در سطح خرد، جامعه‌شناسی کنش متقابل چهره به چهره، شامل جامعه‌شناسی عواطف و جامعه‌شناسی خشونت بین افراد.

در سطح میانه، تحلیل شبکه اجتماعی و نیز جامعه‌شناسی اقتصادی.

در سطح کلان، جامعه‌شناسی توسعه، دولت و نظریه نظام جهانی.

من هم تلاش کرده‌ام تا در این حوزه‌های جامعه‌شناسی با در کنار هم قرار دادن مفاهیم

نظری عمده آنها سهیم باشیم.

— آیا فکر می‌کنید که شما یک نظریه‌پردازید یا پژوهشگر اجتماعی هستید؟ چرا؟ و اگر خود را یک پژوهشگر می‌دانید، آیا خود پژوهش یک نوع نظریه‌پردازی نیست؟

البته من خودم را هم یک نظریه‌پرداز و هم یک پژوهشگر می‌دانم. اکثر پژوهش‌های من با استفاده از داده‌های تاریخی صورت پذیرفته‌اند. در تعدادی از تحلیل‌هایم، شبکه‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند، مثلاً در کتابم در زمینه جامعه‌شناسی فلسفه‌ها نظریه‌ای را راجع به اینکه

چگونه شبکه‌های فکری عمل می‌کنند مطرح می‌نمایم. من معتقدم که وحدت نظریه و پژوهش به وجود آورنده بهترین نظریه‌هاست. مثلاً، اغلب ما نمی‌توانیم به یک مسأله نظری پاسخ بدهیم تا چه رسد به اینکه نگاهی بیاندازیم به انواع پژوهشهای انجام شده پیرامون آن مسأله خاص. بنابراین مايلم جامعه‌شناسان را تشویق کنم که حجم تفکرات نظری خویش را در ارتباط با پژوهشهایشان افزایش دهند.

— آیا شما خودتان را یک نظریه‌پرداز کشمکشی می‌نامید؟ اگر پاسخ مثبت است، به چه مفهومی؟

بعضی اوقات، من خودم را یک نظریه‌پرداز کشمکشی می‌نامم و نیز یک نظریه‌پرداز کنش متقابل نمادین؛ اخیراً من از اصطلاح نظریه کشمکشی خرد استفاده می‌کنم.

— آیا شما می‌توانید هر نوع توسعه و تکاملی را در نظریه‌هایتان به طور در زمانی بیابید؟ اگر پاسخ مثبت است، لطفاً، چگونگی آن را توضیح دهید؟

تا زمانی که من دانشکده و دوره لیسانس را در سال ۱۹۶۸ به اتمام رساندم، نظرات عمده مقولات نظری‌ام را پیدا کرده بودم، نظیر ترکیب نظریه کشمکش براساس تلقی وبر، و جامعه‌شناسی خرد براساس تفسیر گافمن از شعایر و آیینهای دورکهایمی. این جامعه‌شناسی خرد همچنین نظریه مید را پیرامون تفکر به عنوان مکالمات درونی شده در بر می‌گرفت و از این رو به عنوان شعایر و آیینهای درونی شده، تلقی می‌شد و تأکیدی بود که پژوهشگران اتنومتدولوژیک به وسیله بررسی دقیق همه فرایندهای اجتماعی در تجربه مفصل پیایی به جامعه‌شناسی خرد رادیکال داشتند.

به کمک این ابزارها من به کار کردن روی انواع عناوین ادامه دادم، و نیز روی یک نظریه کشمکش خرد / کلان ترکیبی؛ نظریه پویایی‌های قشربندی مدرن از طریق تورم اعتباری آموزشی. این بخش، البته، بیشتر براساس وبر و پژوهشهای تجربی بود تا جامعه‌شناسی خرد. همچنین نظریه‌ای را پیرامون تغییرات در قدرت دولت به واسطه تغییرات و فشارهای ژئوپولیتیک به وجود آوردم که از آن در حوالی سال ۱۹۸۰ برای پیش‌بینی زوال آینده امپراطوری روسیه استفاده کردم.

همه اینها نخستین جهت‌گیریهای من در کارهایم بود. البته از آن زمان تاکنون همان خط نظریه را حفظ نموده‌ام، ولی چند جنبه نظری جدید بر آنها افزوده‌ام. اینها شامل تأکید بر

شبکه‌های اجتماعی به عنوان شکل اصلی سازمان اجتماعی است. این مسأله ما را قادر می‌سازد تا از به کار بردن مفاهیم ایستا نظیر اجتماع یا فرهنگ دوری کنیم و در عوض به ما این قدرت را می‌دهد که نشان دهیم چگونه شبکه‌ها خود را به الگوهای متفاوت تغییر شکل می‌دهند و استحاله می‌شوند.

بهترین کار من از این نوع، عبارت است از کتابم که پیرامون جامعه‌شناسی فلسفه‌هاست. در این اثر نظریه‌ای درباره‌ی اینکه چگونه شبکه‌ها، نمادها و کشمکشها را در یک فضای محدود ارتباط می‌دهند طرح شده است و به موجب آن ایده‌هایی که بعضی از افراد آن را به عنوان نمایندگان شبکه مشهور می‌سازد فرمول‌بندی می‌کنند. این کتاب که در سال ۱۹۹۸ منتشر شد گسترده‌ترین مقایسه و تطبیق تاریخی من است. این اثر با فلسفه‌ها در طی تاریخهای چین، ژاپن، هند، یونان باستان، جهان اسلام در عصر میانه، اروپای قرون وسطی و عصر جدید سر و کار دارد. همچنین در این اثر بهترین بیان من از اینکه چگونه تغییر فرهنگی می‌تواند توسط شبکه‌های اجتماعی توصیف شود، به چشم می‌خورد.

— آیا تأکیدی بر یک روش خاص در نظریه‌پردازی جامعه‌شناختی معاصر وجود دارد؟
تعداد متنوعی روش وجود دارد که به کار می‌روند. همان‌گونه که قبلاً گفتم، من به نظریه‌پردازی علاقه‌مندم که کارشان را در ارتباط با مقایسه‌های تجربی متحول می‌سازند. نظریه‌پردازان مورد علاقه من عبارت‌اند از:

در سطح کلان؛ مایکل مان، چارلز تیلی و کریس چیس دان.
در سطح خرد؛ تام شف. همچنین دونالد بلک (نظریه کنترل و کشمکش اجتماعی) و رادنی استارک (نظریه ادیان). در نظریه شبکه؛ هریسن وایت و ویویانا زلزر.

— به لحاظ دیدگاه نظری شما، آیا باید از مدلی خاص برای انجام پژوهش استفاده کنیم؟
البته، این امکان وجود دارد که کار پژوهشی خوبی را با وام گرفتن از ترکیبی از مدلها انجام داد. لیکن، من معتقدم که کار خوب به تمرکز به سوی یک مدل ترکیبی جدید تمایل دارد.

— آیا می‌شود از شما بخواهم به ما چند پیشنهاد پیرامون عاملی مؤثر به منظور داخل شدن در دنیای جامعه‌شناسی، آن هم به نحوی احسن، ارائه دهید و اصلاً چگونه باید به نظریه‌های

جامعه‌شناسی علاقه‌مند شد؟

بعضی از کارهای پژوهشی به دلیل عناوین آنها که فقط با کشوری خاص مرتبط‌اند محلی می‌شوند. این حرف در آمریکا هم صدق می‌کند. در آنجا بسیاری از پژوهشها پیرامون مسایل آمریکا به طور اخص است. کارهای نظری بسیار گسترده‌تر از کارهایی هستند که در زمینه مسایل اجتماعی خاص سیر می‌کنند. بنابراین جامعه‌شناسان ایرانی می‌توانند در دنیای جامعه‌شناسی شرکت کنند، به وسیله تماس با پژوهشگرانی روی حوزه‌های مسایل نظری عمومی که تازه‌ترین حوزه‌های بحث هستند کار کنند و این مسایل را به جلو ببرند.

– چه تفاوتها و چه تشابهاتی بین کارها و آثار شما با آثار دارندورف و دیگر نظریه‌پردازان کشمکش وجود دارد؟

مهمترین کار دارندورف عبارت بود از نشان دادن این قضیه که نظرات مارکسیستی درباره تضاد طبقاتی می‌تواند از یک بنیان ایدئولوژیک انحصاری برداشته شده و به تضاد در هر نوع از سازمان تعمیم داده شود. بنابراین دارندورف جامعه‌شناسی مارکسیستی را تجدیدنظر کرده و به جامعه‌شناسی وبری تضاد قدرت تبدیل نموده است. همچنین دارندورف آغازگر صوری کردن نظریه نهضت‌های اجتماعی بوده است که اکنون از آن تحت عنوان نظریه متحرک‌سازی منبع یاد می‌شود. من معتقدم که همه اینها توسعه و پیشرفتهای مثبتی بوده‌اند و من نیز همه آنها را در نظریه کشمکش خود یک کاسه کرده‌ام. آنچه را که من افزوده‌ام یک بعد خرد خاصی بوده است. نخست به وسیله نشان دادن اینکه تضاد قدرت در سازمانها همچنین می‌تواند از طریق نظریه گافمن از نماد کنش متقابل رؤیت شود. در حقیقت نخستین کتاب گافمن تحت عنوان اراییه خود در زندگی روزمره به مقیاس زیادی براساس پژوهشی است که در سازمانها پیرامون کنش متقابل مابین افراد با درجات و قدرت متفاوت انجام شده است. کار دارندورف اگر ریزنگری شود نظریه‌ای است راجع به اینکه چه وقت کشمکش شروع می‌شود یا آغاز نمی‌گردد. کار من یک نظریه عمومی است با این دیدگاه که کشمکش یک وضعیت هسته‌ای و سازمانده حیات بشر است و سپس به توصیف پویایی‌های کنش متقابل می‌پردازد و اینکه چگونه انسجام و همبستگی به وجود می‌آید و چه چیزی سبب نمادگرایی فرهنگی می‌شود. من همچنین جنبه تاریخی تطبیقی نظریه کشمکش را متحول ساختم که دارندورف، متخصص سازمانهای صنعتی و تضاد و تقابل کار، آن را تحول بخشید؛ یعنی نظریه دولت، ژئوپلیتیک، تغییرات تاریخی درازمدت.

— آیا فکر می‌کنید که شما یک نظریه پردازید و یا یک فرانظریه پرداز؟ آیا یک فرد به طور همزمان می‌تواند هم نظریه پرداز و هم فرانظریه پرداز باشد؟

باید بگویم که من یک نظریه پرداز هستم. مقولهٔ فرانظریه داخل مرزهای دیگر نیز می‌شود مثلاً معرفت‌شناسی و موضوعات دیگری در فلسفه. همچنین به نظر من فرانظریه بیشتر مقوله‌ای است ایدئولوژیک. بعضی اوقات ضروری است که در حوزهٔ فرانظریه هم کارکرد، درست به این دلیل که هر مبحثی پیرامون جریان‌ات انعکاسی طرز عملکرد جامعه‌شناسی فرد را خواه و ناخواه به حوزهٔ فرانظریه‌ای می‌کشاند. اما آنچه را که من از انجامش از همه بیشتر لذت می‌برم عبارت است از نظریهٔ جوهری. به نظر من در اینجاست که پیشرفت و ترقی فکری حقیقی به وجود می‌آید و حال آنکه فرانظریه مستعد مباحثات بی‌انتهاست.

— جامعه‌شناسان ایرانی مایلند بیشتر دربارهٔ کارها، آثار و نظریه‌های شما بدانند. آیا ممکن است ما را راهنمایی بفرمایید که چگونه باید آغاز کرد؟ لازم به یادآوری است که دیدگاه مختصری پیرامون نظریهٔ شما از طریق کتاب نظریهٔ پروفیسور ریتزر و کتاب خود شما جامعه‌شناسی کشمکش در حال حاضر در میان آنها وجود دارد.

اکثر کار من در جامعه‌شناسی کلان مندرج و در کتاب اخیرم تحت عنوان تاریخ کلان، انتشارات دانشگاه استنفورد، ۱۹۹۹ منعکس است.

در جامعه‌شناسی خرد مقالهٔ من در مجلهٔ علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی آمریکا ۱ سال ۱۹۸۱، تحت عنوان بنیادهای خرد جامعه‌شناسی کلان هنوز هسته‌ای است. گرچه کارهایی را بیشتر پیرامون پویایی‌های عاطفی به عنوان کلید انگیزهٔ انسان منتشر کرده‌ام. راه خوب دیگری برای دستیابی به خلاصه‌ای از نظریه‌هایم کتاب من تحت عنوان چهار سنت جامعه‌شناختی، از انتشارات دانشگاه اکسفورد است. در ظرف یک یا دو سال آینده قصد دارم که کتابی را تحت عنوان زنجیره‌های نمادین کنش متقابل منتشر کنم که مهمترین پژوهشهای من در حوزهٔ جامعه‌شناسی خرد را شامل خواهد شد. فصل اول کتاب جامعه‌شناسی فلسفه‌ها همچنین ارائه‌کنندهٔ نظریهٔ خرد اصلی من است.

— آیا پیشنهادی راجع به جامعه‌شناسی در ایران دارید؟

همیشه مسایل حایز اهمیتی برای جامعه‌شناسان در بررسی اجتماع اطرافشان وجود دارد که باید مورد مطالعه قرار دهند. به ویژه هنگامی که یک رشته دگرگونیهای اجتماعی عمده‌ای در حال شدن است. به نظر من اجتماع ایران عناوین بسیار خوبی برای پژوهش و تحلیل جامعه‌شناختی دارد.

امیدوارم در آینده پیرامون جامعه‌شناسی ایران اطلاعات بیشتری کسب کنم.

با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید و به امید همکاریهای علمی بیشتر آینده.